

۲۱ داستان

از دفتر اول

شوی معنوی

مولانا جلیل الدین مولوی

تدوین، گردآوری و پژوهش:

مجید آذرشاهی

زمستان ۹۷

سرشناسه	: آذرشاهی، مجید، ۱۳۳۴ -
عنوان قراردادی	: مثنوی، برگزیده، شرع
عنوان و نام پدیدآور	: ۲۱ داستان از دفتر اول مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین مولوی/تجویین و گردآوری و پژوهش مجید آذرشاهی.
مشخصات نشر	: تهران: مسیر دانشگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۳۰-۴۲-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
عنوان گسترده	: بیست و یک داستان از دفتر اول مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین مولوی.
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۴۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی-- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Muhammad ibn Muhammad, ۱۲۰۷-۱۲۷۳ : Masnavi-- Criticism and interpretation.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- ۱۳th century -- History and criticism
رده بندی نگره	: ۱۳۹۷ ب۹۱/آ۴۳۰/۵۳ PIR
رده بندی دیویر	: ۳۱/۱، ۸
شماره کتابشناسی مل	: ۷۳۵



- ❖ عنوان کتاب: ۲۱ داستان از دفتر اول مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین مولوی
- ❖ مؤلف: مجید آذرشاهی.
- ❖ ناشر: مسیر دانشگاه
- ❖ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۳۰-۴۲-۹
- ❖ تیراژ: ۱۰۰۰
- ❖ قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان روانمهر شرقی، پلاک ۸۹، واحد ۱

۶۶۹۷۴۳۱۶-۱۷-۰۰۹۱۲۵۰۹۹۲۴۸

فکس ۶۶۹۷۵۶۸۷-۲۱

www.mdnashr.ir
M.dpub@yahoo.com

فهرست عناوین

- پیشگفتار..... ۱۳
- زندگی نامه مولانا..... ۱۷
- بی نامه..... ۲۳

« ۱ »

- مهادتین..... ۲۹
- اظهار معجزه پیامبر علیه السلام..... ۳۰
- بسخر آید سنگریزه در دست ابوجهل علیه اللعنه..... ۳۰
- و خواهی دید سنگریزه بر حقیقت محمد علیه الصلوة و السلام..... ۳۰

« ۲ »

- حکایت عاشق شدن شاه کنیز کی و خریدن پادشاه کنیزک را..... ۳۱
- نکته..... ۳۲
- چکیده داستان..... ۳۲
- حکایت عاشق شدن پادشاهی سرری کی و خریدن شاه کنیزک را..... ۳۶
- ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه سیرت پادشاه و روی آوردن پادشاه..... ۳۷
- از خداوند ولی التوفیق در خواستن توفیق رعایت ادب..... ۳۸
- در همه حالها و بیان کردن و خامت ضررهای بی ادبی..... ۳۸
- ملاقات پادشاه با آن طبیب الهی که در خوابش بسارت داده بود. بملاقات او..... ۳۸
- خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک جهت دریافتن رنج کنیزک..... ۴۱
- در یافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج او را پیش پاد..... ۴۳
- فرستادن شاه رسولان به سمرقند به آوردن زرگر..... ۴۳
- بیان آنک کشتن و زهر دادن مرد زرگر..... ۴۵
- باشارات الهی بود نه بهوای نفس و تأمل فاسد..... ۴۵

« ۳ »

- حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دکان..... ۴۷
- چکیده داستان..... ۴۸

حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ربختن طوطی در دکان ۴۹

« ۴ »

داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب ۵۳

چکیده داستان ۵۴

داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب ۵۶

آموختن وزیر مکر پادشاه را ۵۶

تلیس وزیر با نصارا ۵۷

میر کردن نصارا مکر وزیر را ۵۷

متاب کردن نصارا وزیر را ۵۸

دامه داستان از پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب ۶۰

فهم کردن حادقان را مکر وزیر را ۶۳

پیغام شاه بنهان را وزیر را ۶۴

بیان دوازده سبط از نصارا ۶۴

تخلیط وزیر در احکام انجیل ۶۴

بیان خسارت وزیر در این سفر ۶۷

ادامه داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب ۶۹

مکر دیگر انگیزتن وزیر در اضلاع قوم ۷۳

دفع گفتن وزیر مریدان را ۷۳

مکر کردن مریدان که خلوت را بکن ۷۴

جواب گفتن وزیر کی خلوت را نمی شکم ۷۵

اعتراض مریدان بر خلوت وزیر ۷۵

نومید کردن وزیر مریدان را از رفض خلوت ۷۷

ولیعهد ساختن وزیر هر یک امیر را جدا جدا ۷۷

کشتن وزیر خویشتن را در خلوت ۷۸

طلب کردن امت عیسی علیه السلام از امرا که ولیعهد از شما کدامست ۷۸

منازعت امرا در ولیعهدی ۸۰

تعظیم نعمت مصطفی علیه السلام که مذکور بود در انجیل ۸۱

« ۵ »

- ۸۳..... قصه دیدن خلیفه لیلی را
 ۸۴..... نکته
 ۸۴..... چکیده داستان
 ۸۵..... قصه دیدن خلیفه لیلی را

« ۶ »

- ۸۷..... حکایت پادشاه جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی می نمود
 ۸۸..... نکته
 ۸۸..... چکیده داستان
 ۹۰..... حکایت پادشاه جهود و بت نهادن پهلوی آتش
 ۹۱..... آتش کردن پادشاه جهود و بت نهادن پهلوی آتش
 ۹۱..... که هر کس بت را سحر کرد از آتش برست
 ۹۲..... سخن آمدن طفل از آتش برست
 ۹۳..... کز ماندن دهان آن مردکی که بت را سحر خواند
 ۹۴..... عتاب کردن آتش را آن پادشاه جهود
 ۹۵..... طنز و انکار کردن پادشاه جهود و قبول ما که صیحت خاصان خویش

« ۷ »

- ۹۷..... قصه باد که در عصر هود علیه السلام قوم عاد را هلاک کرد
 ۹۸..... چکیده داستان
 ۹۹..... قصه باد که در عصر هود علیه السلام قوم عاد را هلاک کرد

« ۸ »

- ۱۰۱..... نگرستن عزرائیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان
 ۱۰۲..... نکته
 ۱۰۲..... چکیده داستان
 ۱۰۳..... نگرستن عزرائیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان

« ۹ »

- زیافت تاویل رکبک مگس ۱۰۵
 نکته ۱۰۶
 چکیده داستان ۱۰۶
 زیافت تاویل رکبک مگس ۱۰۷

« ۱۰ »

- قصه هدهد و سلیمان در بیان آنک چون قضا آید چشمهای روشن ۱۰۹
 ۱۱۰
 قصه هدهد و سلیمان در بیان آنک چون قضا آید چشمهای روشن به شود ۱۱۲
 ۱۱۳
 جواب گفتن هدهد ۱۱۳

« ۱۱ »

- قصه بازرگان که طوطی را به پیغام داد و طوطیان هندوستان ۱۱۵
 نکته ۱۱۶
 چکیده داستان ۱۱۶
 قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد طوطیان هندوستان هنگام تجارت ۱۱۹
 صفت اجنحه طیور عقول الهی ۱۲۰
 دیدن خواجه طوطیان هندوستان را در دشت و ۱۲۱
 پیغام رسانیدن از آن طوطی ۱۲۱
 تفسیر قول فریدالدین العطار قدس الله سره ۱۲۲
 تو صاحب نفسی ای غافل میان خاک خون می خور ۱۲۲
 که صاحب دل اگر زهری خورد آن انگبین باشد ۱۲۲
 تعظیم ساحران مر موسی را علیه السلام که چه ۱۲۲
 فرمایی، اول تو اندازی عصا یا ما ۱۲۲
 شنیدن آن طوطی حرکت آن طوطیان ۱۲۶
 و مردن آن طوطی در قفس و نوحه خواجه بر وی ۱۲۶

- تفسیر قول حکیم ۱۲۹
و در معنی قوله علیه السلام ان سَعْدًا لَعُيُورٌ وَاَنَا اَعْيَرٌ مِنْ ۱۲۹
رجوع به حکایت خواجه تاجر ۱۳۲
برون انداختن مرد تاجر طوطی را از قفس و پریدن طوطی مرده ۱۳۲
وداع کردن طوطی خواجه را و پریدن ۱۳۳

« ۱۲ »

- قصه حلیفه کی در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود ۱۳۵
نکته ۱۳۶
چکیدن استان ۱۳۶
قصه حلیفه کی در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود ۱۴۱
قصه اعرابی در بصره و ماجرای زن او با او به سبب قتل و درویشی ۱۴۱
مفرور شدن مریدان معراج به واسطه آن مزور و ایشان را شیخ محتشم و واصل پنداشتن ۱۴۲
در بیان آنکه نادر افندی مزور اعتقاد بصدق بندد که او کیست ۱۴۳
صبر فرمودن اعرابی زن را قضیه تاجر و فقر گفتن با زن خود ۱۴۳
نصیحت کردن زن مرثوی را که مسکینان را از مکر و فریب مگویم تفولون مالا تفعلون ۱۴۴
نصیحت کردن مرد مرزن را که در فقریان بخوازد مکر و در کار حق ۱۴۶
در بیان آنکه جنیدن هر کسی از آنجا که ویست هر کس را چنبره وجود خود یبند ۱۴۷
مراعات کردن زن شوهر را و استغفار نمودن از گناه ۱۴۸
در بیان این خبر که انهن یغلبن المعامل و یغلبهن الجاهل ۱۵۰
تسلیم کردن مرد خود را با آنچه التماس زن بود از طلب معیشت ۱۵۰
و این اعتراض زن را اشارت حق دانستن ۱۵۰
مخلص ماجرای عرب و جفت او ۱۵۱
دل نهادن عرب بر التماس دلبر خویش ۱۵۲
و سوگند خوردن که درین تسلیم مرا حلیتی و امتحانی نیست ۱۵۲
تعیین کردن زن طریق طلب روزی کدخدای خود را و قبول کردن او ۱۵۴
هدیه بردن عرب سبوی آب باران از میان بادیه سوی بغداد بامیر المؤمنین ۱۵۵
در نمودن دوختن زن عرب سبوی آب باران را ۱۵۶

- و مهر نهادن بر وی از غایت اعتقاد عرب ۱۵۶
 در بیان آنک چنانک گدا عاشق کرمست و عاشق کریم ۱۵۷
 فرق میان آنک درویشست بخدا و تشنه خدا ۱۵۷
 و میان آنک درویشست از خدا و تشنه غیر است ۱۵۷
 پیش آمدن نقیان و دربانان خلیفه از بهر اکرام اعرابی و پذیرفتن هدیه او را ۱۵۸
 در بیان آنک عاشق دنیا بر مثال عاشق دیوار است که بر او تاب آفتاب زند ۱۶۰
 سپردن عرب هدیه را یعنی سب را بغلامان خلیفه ۱۶۱
 قبول کردن خلیفه هدیه را و دعا فرمودن با کمال بی نیازی از آن هدیه و از آن سب ۱۶۲

« ۱۳ »

- حاجت و اجرای نحوی و کشتیان ۱۶۷
 نکته ۱۶۸
 چکیده داستان ۱۶۸
 حکایت ماجرای نحوی و کشتیان ۱۶۹

« ۱۴ »

- کبودی زدن قزوینی بر شانگاه صورت شیر و پشیمان شدن او ۱۷۱
 نکته ۱۷۲
 چکیده داستان ۱۷۲
 کبودی زدن قزوینی بر شانگاه صورت شیر و پشیمان شدن او سبب زخم سوزن ۱۷۴

« ۱۵ »

- رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر بشکار ۱۷۷
 نکته ۱۷۸
 چکیده داستان ۱۷۸
 رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر بشکار ۱۸۰
 امتحان کردن شیر گرگ را و گفتن که پیش آی ۱۸۱
 ای گرگ بخش کن صیدها را میان ما ۱۸۱

« ۱۶ »

- قصه آتک در یاری بکوفت از درون گفت کیست گفت منم گفت چون ۱۸۳
 نکته ۱۸۴
 چکیده داستان ۱۸۴
 صفت توحید ۱۸۵

« ۱۷ »

- نشاندن پادشاهان صوفیان عارف را پیش روی خویش ۱۸۷
 چکیده داستان ۱۸۸
 نشاندن پادشاهان عارف را پیش روی خویش تا چشمشان بدیشان روشن شود ۱۸۹

« ۱۸ »

- آمدن مهمان پیش زلف علی السلام و تقاضا کردن ۱۹۱
 نکته ۱۹۲
 چکیده داستان ۱۹۲
 آمدن مهمان پیش یوسف علیه السلام و سخا کردن یوسف و تحفه و ارمغان ۱۹۴
 گفتن مهمان یوسف را که آینه آورد متعجبان ۱۹۵
 تا هر بار که در وی نگری روی خود بینی مرآه یاد کن ۱۹۵

« ۱۹ »

- به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش ۱۹۹
 نکته ۲۰۱
 چکیده داستان ۲۰۰
 به عیادت رفتن کر بر همسایه رنجور خویش ۲۰۲
 نکته ۲۰۲
 چکیده داستان ۲۰۶

« ۲۱ »

۲۱۱..... متهم کردن غلامان و خواجه تاشان مر لقمان را

۲۱۲..... نکته

۲۱۲..... چکیده داستان

۲۱۳..... متهم کردن غلامان و خواجه تاشان مر لقمان را کی آن میوه های

۲۱۵..... اژه نامه

۲۴۳..... منابع

www.ketab.ir

شگفتار

جلال‌الدین محمد بلخی «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی» معروف به مولانا، مولوی و سنی. آنچه مشهود است القاب وی در زمان حیاتش «جلال‌الدین»، «خداوندگار»، «مولانا خداوندگار» بوده و از قرن نهم هجری به بعد القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته است. او متولد بلخ یکی از شهرهای خراسان بزرگ ایران بوده که اکنون جزو افغانستان است.

مولانا شخصیتی است که به سه اسانها تعلق دارد و ترجمه‌های بسیاری از آثار وی مخصوصاً مثنوی در سطح جهانی منتشر شده و علاقه‌مندان و طرفداران فراوانی نیز دارد. لازم به توضیح است که در سال ۱۹۹۰ میلادی بنیاد بین‌المللی مولانا در کشور ترکیه توسط محمد باقر چلبی بیست و دومین نواب پوری مولانا جهت اشاعه فرهنگ مولانایی در سراسر جهان راه‌اندازی شد و در حالی حاضر در بیست و دو کشور این بنیاد شعبه دارد.

اشعار مولانا در کل بالغ بر شصت هزار بیت است که حدود هر بیست و پنج بیت عربی و کمتر از پنجاه بیت به ترکی و یونانی است و مابقی به پارسی و برگرفته از فرهنگ ایرانی می‌باشد. کتاب مثنوی مولانا نیز از حدود ۲۶ هزار بیت شعر در شش دفتر تشکیل شده و شامل ۴۲۴ داستان است. بعضی از این داستان‌ها برگرفته از کتب قرآن، حکایات پیغمبران و اولیا، کلیله و دمنه، عطار نیشابوری، حکیم سنایی، نظامی گنجوی،

جوامع الحکایات عوفی، داستان‌های عامیانه و بعضی دیگر از قصه‌ها، ساخته و پرداخته خود مولاناست. آن طور که از کتاب فیه ما فیه (مولانا) و کتاب مناقب العارفین (افلاکی) معلوم است مانند این داستان‌ها در مجالس مولانا فراوان گفته می‌شد.

مثنوی سبکی در شعر است که در آن مصراع‌ها دو بدو با هم، هم قافیه هستند و مناسب‌ترین قالب برای داستان‌های طولانی محسوب می‌شود. سرودن مثنوی از قرن سوم و چهارم هجری شروع شد و قدیمی‌ترین مثنوی سروده شده مربوط به رودکی است که کلیله و دمنه را به شعر سروده ولی از این مثنوی امروزه بجز چند بیت باقی نمانده است. شاهنامه (فردوسی)؛ چهار مقاله (نظامی عروضی)؛ آفرین‌نامه (ابوشکور بلخی)؛ دلیقه، عقیقه (سنایی غزنوی) و ... نیز در قالب مثنوی سروده شده‌اند اما سنایی اولین شاعری است که عرفان و تصوف را در قالب شعر مثنوی ارائه نمود و عطار نیشابوری سبک مثنوی عرفانی را به عنوان مرجعی برای شیفتگان طریقت تداوم داد و در بهار مثنوی معنوی مولانا کتاب مقدسی گردید در رمزها و مبهمات در حیطه عرفان، چنانکه عبدالرحمن جامی، شاعر، موسیقیدان، ادیب و صوفی معروف می‌فرماید:

من چه گویم وصف آن عالیجناب نیست یغمه بر ولی دارد کتاب
مثنوی معنوی مولوی هست قرآن، به لفظ پهلوی

در بین تمامی مثنوی‌های سروده شده، مثنوی مولانا را می‌توان سرآمد همه آثاری دانست که در این سبک سروده شده‌اند زیرا مولانا از یک طرف به عرفان نظری احاطه و تسلط کامل داشته و به درجه استادی رسیده بود و مجالس درس داشته و از طرف دیگر در عرفان عملی نیز با همنشینی شمس تبریزی و شیخ

صلاح‌الدین زرکوب به یک صوفی تمام عیار تبدیل شده بود که حاصل این دانش و تجربه مثنوی معنوی گردید.

اما امروزه، بخش اعظمی از کسانی که اقدام به خواندن مثنوی می‌نمایند در همان چند صفحه اول خواندن مثنوی را رها نموده و با این عبارت که اشعار مولانا سنگینه و ما نمی‌دانیم، از ادامه مطالعه مثنوی منصرف می‌شوند. ولی مثنوی، بر خلاف باورهای عامیانه، این چنین نیست، بلکه باید بگوییم که مثنوی هم سهل است و آسان، و هم سخت است و دشوار. سهل است و آسان زیرا صورت ظاهری مثنوی عامیانه و ساده و در قالب داستان‌ها و حکایات بیان شده، و سخت است و دشوار زیرا در پس ظاهر این قصه‌ها و حکایات مجموعه‌ای از اشارات به مادی و معنوی، زمینی و آسمانی، علمی و فلسفی، دنیوی و آخروی پندها و اندرزها، سایه‌ها در لای علم و عرفان و عشق، قرار دارد و هر کس، در هر پایه از دانشی که باشد و با ای بر تبحری، می‌تواند از خواندن مثنوی فیض و حظ ببرد. مولانا نیز در پشت مثنوی همین نوشته‌ها را جهت آن نگفته‌ام که حمایت کنند و تکرار کنند بلکه تا زیر پا نهند و به بالا آسمان روند.

نَرْدَبانِ آسمان است این کلام هر که در این بحر رود، آید به بام
نی به بام چَرخ، کو آخِضر بود بل به ای، بحر فلک برتر بود

هر چند که زبان به کار رفته در مثنوی، پارسی است و در ایران به اشعار مولانا تمایل فراوان وجود دارد ولی به جرأت می‌توان گفت که بیشتر نزدیک به سبب و سلیقه ایرانیان بجز ابیاتی که در کتب مدارس از مولانا بوده و هست و خوانده‌اند، حتی دو صفحه از کتاب مثنوی که معروف‌ترین و رایج‌ترین کتاب مولانا است را نخوانده و اصلی‌ترین دلیل آن نیز عدم توانایی در صحیح خواندن اشعار مولانا می‌باشد.

چنانچه شخصی با سواد متوسط بتواند اشعار مولانا را صحیح بخواند بخش بزرگی از معانی و مفهوم و منظور مولانا را می‌تواند بفهمد و درک کند و لذت ببرد، و این امکانپذیر است فقط مشروط بر اینکه حُرُوف کلمات با نشان دادن حرکت‌هایی چون فتحه و کسره و غیره مشخص گردد. در این کتاب با کمک گرفتن از نسخ و منابع بسیار سعی بر این شده که تلفظ صحیح حروف، و معنی و مفهوم جملات، با علامت‌گذاری‌های کلمات و همچنین ویرگول‌گذاری و غیره، تا حد زیادی مشخص شود. نکته بسیار مهم اینکه اشعار مولانا باید با تأنی و به آرامی خوانده شود و از تند خواندن اشعار جداً پرهیز نمود.

در این مجموعه بیست و یک حکایت از دفتر اول مثنوی برگزیده و ارائه شده و امید است از پنج دفتر دیگر نیز سرکایاتی آماده و تقدیم گردد.

در اینجا لازم می‌دانم از کلمات فکرم و زحمات و راهنمایی‌های دوست فرهیخته‌ام جناب آقای محمد رسول‌زاد که در به ثمر رسیدن این اثر مؤثر بوده‌اند قدردانی ویژه‌ای داشته باشم.

همچنین کلمات من برای ابراز قدردانی به سید عزیزم سیمین شعرباف که همواره مشوق من در زمینه مطالعه و پژوهش بود، و حدیث‌های دختر نازم سپینود و پسر خوبم بهنود قاصر است.

مجید آذرشاهی - بهار ۱۳۹۷